# انترناسیونال ۶۷۴

# اصغر کریمی

# از مردم معذرت میخواهیم اما به جنایاتمان ادامه میدهیم!

بدنبال انتشار نوار صوتی منتظری درمورد اعدام های سال ۶۷ مصطفی تاجزاده از چهره های ملی اسلامی و دو خردادی گفته است: «اعدام های ۶۷ نقض موازین حقوقی و قانونی کشور بوده و حاکمیت میتواند با عذرخواهی از ملت و اصلاح ساز و کار قضایی به گونه ای که تکرار چنین فجایعی را ناممکن کند، زخم ناشی از این اعدام ها را التیام بخشد. او همچنین از خانواده‌های اعدام‌شدگان آن فاجعه از جمله بازماندگان قربانیانی که عضو مجاهدین خلق نبودند پوزش خواسته است».

# در ادامه بحث به جایگاه این نوع عذرخواهی ها خواهم پرداخت اما ابتدا اجازه بدهید کمی خود این عذرخواهی را کمی باز کنیم. تاجزاده عضو کمیته استقبال از خمینی، مدیر کل مطبوعات و نشریات [وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA_%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF_%D9%88_%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C) برای سالهایی از دهه شصت و از فعالین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بوده است. مجاهدین انقلاب اسلامی در آن مقطع در خط مقدم جنایات حکومت بود. اینها خط امامی بودند و نقش اصلی و فلسفه وجودی شان از بدو تاسیس، سرکوب مردم بود از جمله در دستگیری ها و سرکوب ها و اعدام های بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و اعدام های سال ۶۷ و در سرکوب مردم کردستان نقش مهمی بعهده داشتند. در واقع جمهوری اسلامی بر دوش امثال مجاهدین انقلاب اسلامی توانست سرکوب بیرحمانه ای را سازمان بدهد و خود را سر پا نگهدارد. تاجزاده از اعدام های سال ۶۰ به بعد و سرکوب مردم کردستان معذرتخواهی نمیکند. از کل جنایات بیشمار حکومت علیه دانشجویان، کارگران، کشتار مردم ترکمن صحرا و کردستان و خوزستان، و قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سالهای ۶۰ به بعد، نه حرفی میزند و نه معذرتی میخواهد. اینها هیچکدام از نظر او «غیر قانونی و نقض موازین حکومت» نبوده و قابل معذرتخواهی نیست. البته منتظری بیچاره، یا به قول امثال شیرین عبادی، پدر حقوق بشر ایران!، هم اعتراضش فقط به همین یک فقره از اعدام ها بود نه بیشتر.

# تاجزاده از اعدام های سالهای اخیر و از جمله بیش از دو هزار اعدام دوره روحانی نیز معذرت نمیخواهد و آنها را خلاف موازین حکومت و خلاف قانون نمیداند. نقدی به بیحقوقی زنان و سرکوب آنها ندارد، نقدی به اعدام همجنسگرایان و خارج شدگان از دین و اعدام هزاران زندانی متهم به مواد مخدر ندارد، کلا ایشان نه نقدی به اعدام دارد نه نقدی به بیحقوقی مردم، نه به دستگیری های گسترده فعالین اعتصابات و اعتراضات. ایشان از مدافعین پر و پا قرص حکومت روحانی و جنایات این حکومت است. فقط به یک فقره از جنایات حکومت در تابستان ۶۷ انتقاد دارد و میگوید حاکمیت معذرتخواهی کند و از خانواده های قربانیان حلالیت بطلبد و برود کارش را بکند. اشتباه نشود اصلاح ساز و کار قضایی که ایشان میگوید منظورش تغییر هیچ قانونی نیست، تغییر قانون اساسی نیست، لغو قوانین قصاص و چشم درآوردن و دست بریدن نیست. همینکه سیستم قضایی به اصلاح طلبان زیاد بند نکند از نظر ایشان اصلاح میشود.

با این توضیحات باید روشن باشد که معذرتخواهی تاجزاده و درخواست معذرتخواهی حکومت از ملت، ارزش درخودی ندارد. به معنی عدم تکرار جنایت از جمله اعدام و سرکوب مردم نیست. میخواهد که حکومت از مردم معذرت بخواهد و به جنایات روزمره اش که از ۶۷ به بعد هم یک روز از آن غافل نبوده است، ادامه بدهد. معذرت بخواهد شاید مردم فراموش کنند و سابقه ننگین لااقل یک فقره از جنایات حکومت یعنی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ از چهره حکومت و هم حزبی های ایشان، که امروز مغضوب حکومت واقع شده اند، زدوده شود.

اما این معذرتخواهی برای حاکمیت، اهمیت دیگری دارد و موجب نگرانی میشود و اگر از حداقلی از انسجام بود تاجزاده را بلافاصله میگرفت و چند سال دیگر هم در زندان نگه میداشت. با پخش نوار صوتی منتظری، بلافاصله پسر منتظری را به دادگاه کشاندند،‌ وادارش کردند فایل صوتی را از سایت مربوطه بردارد، مقامات مختلف حکومت و رسانه های وابسته به حکومت گفتند و نوشتند که هرچه بوده بر اساس موازین و قوانین بوده است. گفتند اجازه نمیدهند کسی تاریخ را تحریف کند اما هیچکدام جرات نکردند به صراحت گوشه ای از این تاریخ را و آنچه در حق زندانیان سیاسی و همینطور مردم کردستان و ترکمن صحرا و دانشجویان و کارگران کردند، بازگو کنند. میدانند که خود حاکمیت در برخورد به آن جنایت یکدست نیست و نباید سر این قرقره باز شود. اهمیت معذرتخواهی تاجزاده در همین نکته است. همین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در صف اول جنایات حکومت در تمام دهه شصت بوده است، الان توان دفاع از سیاست های خود و حکومت در آن دوره را ندارد. آرزو میکنند و تلاش میکنند که آن دوره فراموش شود. اصلاح طلبان حتی سعی میکنند نقش خود در جنایات نظام، جنایاتی که خود نقش درجه اول در آن داشته اند، را کمرنگ کنند و جنایات را به جناح دیگر منتسب کنند. این ناتوانی ها و بی شهامتی های تاریخی را انزجار عمیق و اعتراض گسترده مردم، به آنها تحمیل کرده است. دیگر انسجامی در مواجهه با مردم ندارند. هر کدامشان مشغول افشای عده دیگری است. به همین دلیل است که توان سرکوب و اعتماد بنفس شان در مقابل مردم بشدت پایین آمده است. وگرنه هزار بار بیشتر به جنایت متوسل میشدند که مردم را سر جای خود بنشانند.

حکومتی که در بحران لاعلاج دست و پا میزند و هرروز پته اش با افشای دزدی ها و فساد عمیق ارگانها و مقامات و آیت الله هایش بیشتر روی آب می افتد، و بر دریایی از خشم و نفرت نشسته است، نمیتواند انسجام داشته باشد. اگر خمینی به وقت خود چسب درون نظام بود امروز خامنه ای در میان بخش زیادی از خود حکومتیان منفور است. کم نیستند کسانی که در صفوف حکومت منتظر فرصتی هستند تا از حکومت و گذشته نکبت بار خود تبری بجویند و دیر یا زود در مقابل امواج اعتراض مردم به معذرتخواهی و التماس خواهند افتاد. اما برای جلو انداختن این اتفاق، امروز مردم باید خواهان محاکمه کلیه سران حکومت، از اصول گرا تا دو خردادی و اصلاح طلب، به جرم ۳۷ سال جنایت از جمله جنایت هولناک تابستان ۶۷ شوند.